

■ ارزیک نرخى و چند نکته مهم

حجت الاسلام والمسلمین درى نجف آبادی

بودجه سال ۷۲، وجود کمیته تنظیم ارز پیش‌بینی شد تا بر جریان امور بویژه در مرحله انتقال و تحول، نظارت کرده و سیاست‌گذاریها و هدایت لازم را عهده‌دار باشد. همچنین با حضور فعال در جریانات و تصمیم‌گیریهای اقتصادی کشور، بتواند آن سیاست‌مادر را با موفقیت دنبال کند.

۳- نکته مهم مورد نظر ما در مباحث کمیسیون، تعهدات و بدهیهای ما در سالهای ۷۲ و ۷۳ و بازپرداخت آن بود که به صورت یک مسأله جدی در بودجه ۷۲ مورد توجه قرار گرفت؛ از جمله کاهش تعهدات و بازپرداخت ۱۵٪ در پایان سال ۷۲ نسبت به آغاز آن بود به نحوی که می‌باید تعهدات کاهش یابد و تراز ما نسبت به آغاز سال مثبت شود. به نظر اینجانب این

مسأله ارز و بویژه تک‌نرخى شدن آن، مباحث فراوانی را در متن و حاشیه، اقتضاء کرده است. من در اینجا از تطویل و تفصیل، چشم‌می‌پوشم، و صرفاً به چند فراز مهم اشاره می‌کنم، از این قرار:

۱- از نیمه دوم سال ۱۳۷۱ که بحث نرخ ارز شناور در مجلس و کمیسیون مطرح شد. برای توفیق این سیاست مباحث فراوان و ارزشمندی انجام گرفت که مبنای آن، هدایت صحیح امور پس‌از این تصمیم‌گیری و اتخاذ روشها و سیاستهای مناسب و تأکید روی شرایط و فضای لازم برای تحقق چنین هدفی بود. نکته حائز اهمیت در این بیان، هدایت نرخ ارز و به اصطلاح مدیریت کردن بر آن بود.

۲- در همین راستا در تبصره ۲۹ قانون

نیز یک امر مهم و سرنوشت‌ساز برای کشور بوده و هست.

۴- در آن بحثها، مسائل جنبی فراوانی نیز مورد نظر بود که باید برای موفقیت سیاستهای یاد شده اعمال می‌شد، از جمله:
الف - تحقق درآمدهای ارزی دولت که متأسفانه با کاهش نرخ نفت و تأثیر بسیار منفی آن برای کشورهای تولیدکننده، خود فشار مضاعفی را بر کشور تحمیل می‌کند و امکانات کشور را برای توفیق کامل سیاستها دچار مشکل و تنگنا می‌سازد.

ب - مقوله هزینه‌ها - اعم از ریالی و ارزی - و تعدیل آن یک مسأله کلیدی و مهم است که چنانچه رعایت نشود، مجدداً بار سنگینی را بر کشور تحمیل و تقاضا برای ارز را بی‌رویه و بدون حساب و مبنای واقعی افزایش خواهد داد. طبیعی است که چنین روندی نمی‌تواند کشور را از وابستگی نجات داده و توفیق لازم را بدست آورد.

۵- اگر ما در جهت کاهش تقاضا و افزایش عرضه و رشد تولید ناخالص ملی عمل کنیم امکان این هست که نرخ ارز و دلار کاهش لازم را داشته باشد.

۶- اصلاح ساختار یک ضرورت سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده است. سهم ما در سرمایه‌گذاریهای ملی بسیار پایین است. سرمایه‌گذاریها در زمان مناسب به نتیجه نرسیده و باید طرحهای شروع شده در اسرع وقت به نتیجه برسد. صنعت کشور باید از

بیخ و بن دگرگون شود و به گسیختگی و بی‌هدفی آن خاتمه داده شود. در تحقق این هدف، نقش بخش بازرگانی بسیار سرنوشت‌ساز است. مصرف ارز کشور باید بسیار منطقی و دلسوزانه انجام گیرد. ریخت و پاش ارزی، خیانت به اسلام، کشور، ملت و انقلاب است. باید ارز کشور را صرف مصالح واقعی و عالیه کشور بنمائیم و قدر آن را بدانیم و برای هر «سنت» آن احساس مسئولیت کنیم.

۷- نظام بازرگانی ما باید در جهت صادرات و تامین نیازها و ضرورتها بسیج و به کار گرفته شود. همه باید به تولید و صادرات بیندیشیم و از هزینه‌های سرباری، تورم‌زا و اسراف‌آمیز خودداری کنیم. باید عزم ملی باشد و همه در این جهاد بزرگ و سازنده شرکت کنند تا ما به نقطه تعادل رسیده و ساختار کلی اقتصادمان اصلاح شود و به سمت یک اقتصاد سالم و پایدار و سازنده حرکت کنیم تا در جهان و منطقه سخنی برای گفتن و امکانی برای ارائه شخصیت اسلامی، انقلابی و ملی خود داشته باشیم. فراموش نکنیم که دخالت، هدایت، سیاستگذاری و مدیریتمان باید در جهت تنظیم و بهره‌برداری بهینه از منابع و امکانات و افزایش بهره‌وری، سرمایه‌گذاری و رشد تولید ناخالص ملی کشور باشد.